

1
 Vol 1
 No 12
 ۵۷
 سال یکم ۱۳۲۸

پیغام بر بخت
 بر حسب تاریخ بهستان
 هر روز در روز چای و تزیین
 میگرد
 مورخه ۱۳ آشتوال ۱۳۲۸

جدد اول
 مه ۱۲
 ۱۲ اکتوبر ۱۹۱۱
 قیمت اشتراک

Address: -

ادرس اداره

Payam Pars Pakhtar
 1800 Belmont Road,
 Washington D. C. U. S. America.

هو یوکن
 انصاف کفیل بر احوال
 علمیم بر انا انصاف است
 ای پادشاهان عبدالمها، از پیش خرد جنب اوله دو جود و طرب شمار سید، کونای مخلص رسال کونای آینه آنگال بسید
 حال چایب سید بر بس اتر لایر ۱۱۱۱ دستند و نهایت استایش از شمار کند که از سنان هو یوکن باقیست ستم و بافتند و با
 اهرم کفیل نخواستند هر کس که آید و آنگهی نماند بهشت بدین آریب شد هر یک بنور و ابست شمع روشنند و بنور
 شد مصلحت مطلق هم چنین از هر یک با این خطه در یک نهایت استیش نمودند و بسید و سنان سرور بودند و انصاف با
 نیو یوکن بسید و صیف تجدید نمودند که شب اوله از بخت متخوشند و از ستم و بسید و سنان بودند و غمناک
 چهار شب اوله از ستم و بسید و سنان بودند و غمناک استیش و بسید و سنان بودند و غمناک استیش و بسید و سنان
 میدادند عبدالمها در این سخن سندی غیر خورش و جفا غمناک بود وقت نفسی از آن ساریش کند قلب ساریش
 و جان ملوان گردد با یکی ای پادشاهان عبدالمها برتی نماند که ان انصاف را جنت استیش کند عاصم و عظم بر از ان و انصاف
 حال استیش کند تا جان خواب بیدار گردد در بهوش و بشاد شود چنان چنان امید گردد و عالم انسان عالم دیگر شود و از
 و جفا نماند و انصاف کند سبیل شیره تبدیل بر بر اقدام شود و آبگنک جفاک شقیب سخن بر مع کبست از ان
 کرد تا جمل افراد انسانی دست لدا گوش یکدیگر نمایند و بکمال محبت و الفت سازت نمانند
 و علیکم و آلهما و آلهی مع

پیغام بر مآثر
لسان طویلی بجهانی

بفرزبان پیش و دیوان بسمل در کتب لیلان مفسرند لیسر چنین نگارند اند که چون قبح جمل در امان از اقام عدم موزون
 در کتب و ادب و احوال و طبعی و علم آورده سوای آن مفسرین است و آیه شریفه آن جعل فی الله صرح خلیفه از حق ادا نال نمود آنم ملا
 بر که صفات عالم در صفا را بر سایر فرمود و کاخ طیف روح او را بر اعم دانش قرار عظیم است که لای نفس فکر حلقه قیال
 قیمت اندازین کرد و در مفسرین آیه توان بسمل و در حدت ایشان روح از خود آن نفسی نو بیس خدای را بر شش لسان فرودان
 از این هم فریادها نیست نفسی و فانی و وفار و دست زنگی آید. این نوع لسان کرده انوقت در لسان احد بود و حدی
 بر حسب لامر الهی بیست و در نهایت طفت با کدانی با سایرین سعادت است و حتی به جوانانست خود و جوانان بیست
 تا که بر نودای خود در وجود خود نگاهتند و با کبر و طین خود را برین برمت و بر هفت حضرت و نه با سبب اندک
 طینان با سرگشتی اظهار داشت و بر حق فرود آید و انگاهند اساس روح ایل برکت ابدی از آسمان فرود است
 و قیال روح بر کنگره افکند و نام او لکن از برکت انفسه جنگند با نفس نفس و در انکشت قدس حاضر شود آنچه
 از روح با نیتی پیدا خود در برابر قیال انرا بر لوزن لوز اسس بر افکند و بر سلف صدای بیست و بیست و بیست و بیست و بیست
 مردم بیچاره منورش انحال و مغرب انحال بر کنگره در بر گشته پر است در کنار ای سنگ اجبت و از سعادت با کبروی
 محروم و فرود لسان واحد است احد را این زیاده از طوائف مفسرین تعجب گردد و در انوقت ملا است در سوامت
 بر شیبه اشکال مخصوصه گرفته در روز قرون و ادوار کجایی جعلی خود در کمال فراموشی و در کمال خفایت و جنگند در نهایت
 در روز بروز توسعه یافتند و اندان در حال گشت مفسرند که احدیت اصلی از نظر کمال بر حق احدی و احوال و احوال برای خود بر نوزاد
 و از خفایت نزدای کشف کردند چنانچه خود پر از آسمان آمدند و امر اینان مفسرین گشتند بر همه اینها
 حقائق تجلی بر مظهر خداوند که است آمد و در انان خود را فصل بسازد و نام بر بر یاد کردند و در ادب و ادب
 بهترین عملی گشتند و امر اینان خداوند انقدر سنگین و علم از حق نودند. این است که خداوند و غیره است و در
 تا از طرف دیگر فرود آمدن بس که در انجا بر فرم مسانهای حقیر که از خود بر میسر است از منتهی پیشین کس در پیشه تو
 پس باهای نذر و طویلی و ساسکرتی و پادشاهی قید و جبر و لایستی و بوی و در کجای آنان و در ساسکرتی و در ساسکرتی
 لسان لایسین مشق گویند و در این کلام فرسی با این فریم است که با شسته گاش طرف نهادن از خود بر احوال
 حاجت دارند تا با کس باهای کلامین در میان و در ساسکرتی لایسیتش نمونند. آن هم بر جیب و در این

و لای سبب و از نیر بر با بر لسان مشق بر ما شده است
 ولی در چنین روش غیر بر ما نبرد که چون بدانان فریم که است حاجت نفس بر در میان بود و بسط طوائف کلمات حکمت

پیام بر باختر

"نامندگان عمومی غریب ندانند که در این خصوص در میان اهل معارف باقی خود باید بنگارید و خبر خود بکشید.
 دلجو دیگر سوزاید نه. و از آن خصوص مسکن برانند که بر آن فرود آید این سخن تا یکدیگر جو می کرد و اولی خود سنانی انگلی
 این ریا خود این مسکن تعیین کرد و عمومی شود و سپردارم بود که زنتوف بنایند است فیهه البته موافق شود و خدای
 نمایان جنم انسان نماید. دلجو دیگر نماند گردید. - مسکن ای بر آن تو پنجه تعمیر یافته تا به سفر سفید اولی به این مسکن
 عروقت پیدا کرد بعضی واقف تر شد و دلجو دیگر سوزاید. - گفت صید بر تو مسکن عمومی خود عودت عنوان این مسکن
 در روز نخستین بر همان جمیع طرف رسیده و هر یک پیدا میشوند و عدد آنها یک یک میوان برسد و بختیاد از آن است این باب
 چای سینه دلجو و کجای شوی و ما غر بران نقدی کشند چنانچه در اول فصل پنجم این ایام بر آن تو که مشفق بنفقد گردید و خروج حقایق بر آن
 زنتوف از مسکن خود سوزاید که افتخار سخن حاضر شد. زنتوف است از جنم در این و بر نایل و اسپایا ایران در آن ایام و مجلس
 خبر نگار عمومی زمستان بودند و چون مجلس شروع شد نیز از نبرد نبرد از آن و کلا در اطراف عالم حاضر بودند و جمیع خطاها در جهت
 اسپرانتو اندک گردید و خطاب های حقیقی ظاهر شد از زمانیکه ایران در این انجمن بود. - خطاب از همین آیه فریدند جلوی نگار و محرم
 ندادند و نامه و جملات آنها در این مسکن عمومی بیرون نمود و در صورت کار پر از نبرد نبرد و خطاها گردید و اصل شد و هر چه از این
 نوال است که در این زمان که در حقیقت این سخن را بر آن تو گردانند و در کجای رسی مسکن ای بر آن تو چای نماید. - برای طرف
 تا جمل آنکه مردمان خاور و باختر بخوبی بدانند که مسکن عمومی که ما علم رسیده و آثار عالم بر آن است کی از آن در جای گیر و بیاید است.

اجازات

از اجازات فرج آنیز که یک عالم رسیده و با بیان در روز نیک ما در بکر فرج و شب اطراف داشته است بر آن
 نازنین در روز حضرت جسد بها، با قاهره سعادت که پس از چهل سال حبس در شهر عکا آمده در نهایت آزادی و خوشی
 سایر انگشت را با نودم خود مبارک فرمود و حال یک و تمام است که در پرستار احد نوقف فرمود و سواجی
 آنرا با نقره زیارت اجداد مقدس شرف شدند. - باران اگر یک سواد نعت شرف و در نهایت بود و نخواست با شرف
 را عموها و گلستان سعادت خصوصاً بر این خطه غلظت نیست از تبریکت برسانند

در این بنده نقل و احالی از پرست سعید از خطاب های که سعید سعید تقی روحیه در یافت گردید که بر حسب امر
 تنوعت عبد انبیا ایشان بعد از این بجای خطاب صافی سعید تقی شدی هر چه علیه بهار است سعید در اسد گلگاری با یاران
 مشرق و غرب فرزند گردید. - پیام بر باختر خطاب سواد رسیده از این رحمت کبری از چشم قلب ترویت ایسان
 سعید نیاید و خدمات مسکن ایان پس از این در دو محرم را در امر است بنظر آوردن سعید دانست که سالها از
 بنشیند نجات دهنس سوزید و موافق گردند و در نکوست همان جبین نبود پسین و دشمن فرمایند